

# در هند هیچ الگوی خارجی وجود ندارد

## گفتگو با التفات شکری آذر

■ موفق نبوده‌اند و فکر نمی‌کنم در آینده هم موفق باشند.  
□ ماهواره در هند از سوی دولت آزاد است؟  
■ بله.  
□ در حقیقت دولت به جای ممنوع کردن ماهواره به فکر راه چاره افتاده است.  
■ بله و خودش دست به برنامه‌سازی زده است و آنترناتیو خوبی برای تماشای هندی بوجود آورده است. جذابیت برنامه‌های هندی به قدری زیاد است که تماشای دیگر نیازی به تماشای ماهواره‌های دیگر احساس نمی‌کند.  
□ آیا در هند فیلمهایی ساخته شده‌اند که باعث ایجاد بلوایی شده باشند؟  
■ بله. دو مورد آنرا به یاد دارم. یکی همان اوایل بود که هنوز اعضای خاندان مسلمان در حیدرآباد حکومت داشتند. این خاندان نظام‌الدین نام داشت. در آنجا یک بار فیلمی با این مضمون ساخته شد که دختری مسلمان عاشق پسری هندو می‌شود. این فیلم بلوا به پا کرد. شاید اگر عکس این اتفاق می‌افتاد این بلوا به پا نمی‌شد. بار دوم همین سه سال قبل بود که فیلم بمبئی ساخته شد. پس زمینه این فیلم درگیریهایی چند سال قبل شهر بمبئی را داشت که ازدواج دختری مسلمان با یک پسر هندو را نشان داد. البته در این فیلم دوم رعایت بسیاری از مسائل شده بود و حقیقتاً توهینی به کسی و جایی نشده بود. اما باز هم چون دختر مسلمان و پسر هندو بود و وصلت آن دو برخلاف خواست خانواده‌هایشان صورت گرفته بود، سر و صدا به پا کرده بود. بمبئی فیلمی خوش ساخت است که در کشورهای غربی هم به نمایش درآمد و با استقبال روبرو شد. از نظر ساخت، این فیلم در حد کارهای مطرح و غیرمتعارف فیلمسازان اروپایی و آمریکایی است.  
□ آیا در هند فیلمسازان مجازند هر نوع سوزهای را به فیلم برگردانند؟  
■ خوب، البته هر موضوعی را نمی‌توانند تبدیل به فیلم کنند. طبق قانون کشور هیچ فردی حق ندارد به مقدسات دینی دیگر گروه‌های مذهبی توهین کند. چند موضوع خاص هم هست که قضاوت آنرا هیچوقت روی پرده سینما به نمایش نمی‌گذارند. یکی از آنها جدایی پاکستان از هند است. حتی در فیلم گاندهی هم فقط اشاره کوتاهی به این مسئله شده است. این موضوع از موضوعاتی است که در مورد آن خیلی دست به عصا راه می‌روند.  
□ وضعیت مالیات بر درآمد هنرمندان در هند چگونه است؟  
■ در هند با توجه به گرایشات سوسیالیستی بسیاری از دولتهای آن، بخش خصوصی تعریف خاص خودش را داشته است. یکی از مراکز خصوصی که درآمد کلانی دارد صنعت سینمای هند است. در هند مالیاتها مستقیم گرفته می‌شود. برای مثال اگر شما برای صرف غذا به رستوران بروید، در همانجا مالیات غذا را از شما می‌گیرند و یا سوار

برای بینندگان غیرهنده‌ای هم جذابیت‌های فراوانی دارد. یکی از کارهای ویژه‌ای که هند پس از ورود ماهواره می‌کند، نمایش برنامه‌ای است که old is Gold نام دارد. در این برنامه تمام فیلمهای قدیمی را به بهانه‌های مختلف و تحت عناوینی چون گنجینه‌های آرشیری، «آنچه ما داریم»، «آنچه در گذشته داشتیم» و ... نمایش می‌دهند. این کار چند خاصیت دارد: ۱- برای آدمهایی که اهل سینما هستند فیلمهای قدیمی دوست داشتنی است. الان شما پای ماهواره‌های هند - در داخل یا خارج آن که بشینید - با یک سری برنامه‌های سرگرم‌کننده روبرو می‌شوید. برای خود هندیها هم این ماهواره‌ها راضی‌کننده هستند. او فیلم قدیمی می‌بیند، فیلم جدید می‌بیند، کلیپ، مسابقه و اخبار مورد نظرش را می‌بیند، پس دیگر نیازی به تماشای ماهواره‌های دیگران ندارد. حتی وقتی برنامه‌های ماهواره‌ای در هند مورد توجه قرار می‌گیرد، مسئولین با آن ماهواره قرارداد می‌بندند و برنامه‌های خود را برای پخش به آن ماهواره می‌دهند. به این ترتیب شاهدیم که همه چیز در همه جا رنگ و بوی هندی دارد.  
به این ترتیب در هند هیچ الگوی خارجی وجود ندارد. هیچ کدام از جوانان هندی ادای غربی‌ها را در نمی‌آورند، آنها ادای هندیها را درمی‌آورند.  
□ حتی آن هندیهایی را که روی پرده دارند ادای غربی‌ها را درمی‌آورند؟  
■ بله. آنها به آن مورد غربی، شکل و رنگ و بوی هندی می‌دهند. جوان هندی اگر بخواهد موهایش را به شکل خاصی درآورد، آنرا شبیه موی شاهرخ خان درست می‌کند و نه مدل موی تام کروز. جوان هندی هیچ سنخیتی با تام کروز ندارد. تام کروز محبوبیتی آنچنانی در هند ندارد.  
سینما در هند با همه جای دنیا فرق می‌کند. سینما جزئی از زندگی مردم است. آنها با سینما زندگی می‌کنند. به همین خاطر رسانه سینما عامل مهمی برای کنترل همه چیز است. همان کاری که آمریکا در کشورش با کمیک سینما انجام می‌دهد، در هند نیز صورت می‌گیرد. برای مثال فیلمهای دهه هشتاد آمریکا، سالهای دهه نود را برای تماشای خودش ترسیم می‌کند. در هند هم یک چنین اتفاقی رخ می‌دهد.  
□ در همان سطح؟  
■ می‌توان گفت در سطحی خیلی وسیعتر، چرا که در هند مردم علاقه بیشتری به سینما دارند. سینما در هند جهت دهنده است. تمام آموزشها در هند به طور غیرمستقیم از طریق سینما و تلویزیون صورت می‌گیرد. ظاهر قضیه این است که سینما و تلویزیون در هند دولتی نیست. اما صددرصد جهت دارد و در خدمت منویات دولت است.  
□ به این ترتیب با توضیحاتی که دادید ماهواره‌های خارجی در هند موفق نبوده‌اند.

□ خوب، حالا برویم سراغ ماهواره. ماهواره پس از ورود به آسمان هند چه تأثیراتی توانست روی صنعت سینمای هند بگذارد؟  
■ اتفاقاً آن سالی که مقوله ماهواره در هند به صورت یک بحث جدی و روز درآمده بود، روزنامه‌ها، مجلات، سیاستمداران و ... تحلیل‌های گوناگونی در این باره می‌کردند. بلافاصله پس از ورود ماهواره به هند چیزی شبیه به یک وزارتخانه از سوی دولت در این کشور پا گرفت. از تمامی دست اندرکاران در بخش خصوصی دعوت به همکاری شد. ظرف مدت کمی به قدری تولید سینمایی و تلویزیونی بالا می‌رود - البته مطابق با خواسته‌های مردم - که بتواند ضمن رقابت با تولیدات خارجی، تماشای خود را حفظ کند.  
تمام تلاش و کوشش دولت هند در دوران مختلف این بوده که بتواند به تماشای هندی محصولات هندی عرضه کند. مستقیم یا غیرمستقیم، آنها اجازه ندادند این فرهنگ ضعیف شود و همیشه با ایجاد جذابیت‌های مختلف برای تماشای داخلی، توانسته‌اند نفوذ و هجوم طرف مقابل را خنثی کنند.  
هند هم دست به کار می‌شود و خود چند ماهواره تأسیس می‌کند. از طرف دیگر تعداد کانالهای تلویزیونی که اندک بود به ۱۶ کانال می‌رسد. تا قبل از ورود ماهواره، تلویزیون معمولاً خیلی کم فیلمهای سینمایی هندی نشان می‌داد ولی بعد از آن، نمایش این نوع فیلمها در روز به سه فیلم می‌رسد.  
□ پخششید صحبتتان را قطع می‌کنم. چرا تلویزیون هند به ندرت اقدام به نمایش فیلمهای سینمایی هندی می‌کند؟  
■ به خاطر حمایت از تولیدات سینمایی و کل صنعت سینمای کشور.  
□ برگردیم سر بحث اصلی.  
■ سینمای هند که سالانه نزدیک به هزار فیلم تولید می‌کند دیگر برای نمایش فیلم سینمایی در تلویزیون، فیلم کم نمی‌آورد. برنامه‌های تلویزیونی تا نیمه شب ادامه پیدا کرد. ماهواره‌های مختلف هندی به پخش برنامه‌های نمایش فیلم و سریال و سرگرمی و مسابقه پرداختند. در یک کلام، هندیها از تمام آن چیزهایی که ماهواره‌های غرب داشتند کپی گرفتند و آنرا به شکل هندی تحویل مردم دادند. شاهدیم که جذابیت این نوع برنامه‌ها از مرزهای هند می‌گذرد و در سراسر آسیا، چین، اروپا و حتی آمریکا مردم به تماشای برنامه‌های آنها می‌نشینند. این برنامه‌ها



صحنه‌ای از فیلم جنجالی «بمبئی» که این فیلم درباره زن و مرد جوانی از دو مذهب اسلام و هندو است که علیرغم مخالفت خانواده‌های خود، با هم ازدواج می‌کنند. آنها درگیر بمب‌گذاری شهر بمبئی می‌شوند و اتفاقات زیادی برایشان رخ می‌دهد.

نیروهای منفی خریداری شده و علیه شخصیت‌های مثبت فیلم عمل می‌کنند. چگونه می‌شود که صنعت سینمای هند این قدر راحت دستگاہ قضایی و پلیس را زیر علامت سوال ببرد و در همین شرایط هم دولت بتواند از سینما در جهت خواسته‌های خود استفاده کند و اجازه تولید و نمایش این آثار را بدهد؟

■ من هم این نوع فیلمها را تماشا کرده‌ام. آدم با تماشای این نوع ماجراها در فیلمهای هندی، در بند امر تعجب هم می‌کند. ولی در همین فیلمها وقتی به پایان ماجرا می‌رسیم با قاضی خوب و قاضی بد روبرو می‌شویم که فیلساز آنها را با هم مقایسه می‌کند. در اغلب فیلمهای هندی - بخصوص جدیدترها - می‌بینیم که عده‌ای از مأموران پلیس با قاچاقچیان همکاری دارند. اما این فقط یک عده از آنان هستند و نه همه آنها. در پایان ماجرا هم متوجه می‌شویم پلیس خوب همیشه خوب است. اصولاً پلیس نمی‌تواند بد باشد. آنکه بد است بر حسب تصادف آمده و پلیس شده است.

در مورد قضاوت و دستگاہ قضایی کشور هم شما در هیچ فیلم هندی نمی‌بینید که فیلساز آنها تا پایان فیلم زیر سوال ببرد. یک وکیل یا قاضی را نشان می‌دهد که از منفی‌های فیلم پول و رشوه گرفته و برای آنها کار می‌کند.

اما قبل از پایان فیلم او حتماً و قطعاً رسوا می‌شود. وجود همین مسئله در فیلمهای هندی باعث می‌شود مردم هند راحت‌تر با قضاوت و مسائل برخورد کنند.

□ با شروع دهه نود ما شاهد پا گرفتن دو مسئله جدید در سینمای هند هستیم. اول از همه رشد جوانگرایی در این سینما و حضور چهره‌های جدید و جوان را داریم. از طرف دیگر قهرمانگرایی اسطوره‌ای از نوع آمیتا باچان (که مدافع سرسخت پابره‌ن‌ها و مظلومین بود) جای خود را به حضور

می‌کند در زندگی قبلی خود شاید یک چنین زنی را در مقام همسر داشته و یا در زندگی بعدی خود چنین زنی را خواهد داشت. تماشاچی هندی بازیگران زن و مرد فیلم را مثل خواهر و برادر و یکی از محرمهای خود می‌بیند و می‌داند و با کاراکترهای اصلی کاملاً «همذات پنداری» می‌کند.

وقتی یک بازیگر زن ازدواج می‌کند، توهم قبلی شکسته می‌شود. تماشاچی حالا می‌داند که این زن همسری دارد و متعلق به کس دیگری است. اینجاست که حاکمیت اخلاق خود را نشان می‌دهد. اگر در سینمای هند اخلاقیات کمتر شده باشد، در مردم که این اخلاقیات نمرده است. به اعتقاد تماشاچی بازیگر زنی که ازدواج کرده شایسته نیست در فیلمی بازی کند و به قهرمان مرد فیلم دل ببندد. او هم به عنوان یک تماشاچی شایسته نیست که به تماشای فیلمی بنشیند که این زن شوهر کرده بازی کرده است. همین باور باعث شده که بازیگران زن پس از ازدواج سینما را کنار گذاشته و خانه‌نشین شوند. نیتو سیننگ وقتی با ریشی کاپور ازدواج کرد خانه‌نشین شد. ریناروی در اوج شهرت سینما را کنار گذاشت و دو سال پیش که دوباره فیلم بازی کرد، زمانی بود که از همسرش جدا شده بود. از این نمونه‌ها خیلی زیاد داریم.

□ کمی بالاتر گفتید دولت هند از طریق سینما و تلویزیون، تمام خواسته‌ها و مطالبات خودش را مطرح کرده و به مردم جهت فکری می‌دهد. اما در بسیاری از فیلمهای عامه‌پسند می‌بینیم که فیلسازان چهره غیرمطلوبی از نیروی پلیس و قضاوت - یعنی دو نیروی مهم و تعیین‌کننده جامعه که وابسته به دولت هستند - ارائه می‌دهند. همیشه در فیلمهای هندی مأمورین پلیس و قضاوت توسط

تا کسی می‌شوید در جا مالیات می‌پردازید. در بخش خصوصی، درآمد‌ها محاسبه و بیلان سالانه گرفته می‌شود. دولت در این زمینه اصلاً شوخی نمی‌کند. در سالهای اخیر بخصوص در دهه نود با توجه به بالا بودن دستمزد هنرمندان و پایین بودن نرخ دستمزد در برگه‌های قرارداد، دولت از اهالی سینما خواست درآمدهای واقعی خود را اطلاع دهند. برای مثال شاهرخ خان یک میلیون دلار دستمزد می‌گیرد ولی در قرارداد مثلاً می‌نویسد ۲۰۰ هزار

دلار. بازیگران هندی حدود یک سوم درآمد خود را که در قرارداد قید شده است به اداره مالیات می‌پردازند. برای مثال دستمزد واقعی شاهرخ خان ۵ میلیون روپیه است. اما در قرارداد این مبلغ ۲۰۰ هزار روپیه نوشته می‌شود و اداره مالیات بین ۳۰ تا ۴۰ درصد این مبلغ را دریافت می‌کند. در خیرها بود که دو ماه پیش دستگاہ قضایی هند به نیروی پلیس اجازه داد یک روز به طور همزمان به منازل بازیگران مطرح هجوم ببرند. پلیس به دنبال این هجوم مقدار خیلی زیادی پول، طلا، دلار، ارز و ... از منازل این بازیگران که مدعی بودند دستمزد زیادی نمی‌گیرند جمع کردند.

جالپ است که عامه مردم هیچ اعتراضی به این کار نکردند. آنها با این عمل نشان دادند ضمن اینکه بازیگران خود را دوست دارند، اما موافق حرکات غیرقانونی آنها نیستند.

□ عمده بازیگران زن هندی پس از ازدواج سینما را کنار گذاشته و دیگر در فیلمی بازی نمی‌کنند. آیا این کار فلسفه خاصی دارد؟

■ وقتی دختری در فیلمی نقشی را بازی می‌کند، تماشاچی پس از تماشای فیلم - با توجه به باورهایی که دارد - شخصیت‌های اصلی فیلم در ذهنش باقی می‌مانند. او فکر

کاراکترهای ضد قهرمان می‌دهد. این کاراکترهای ضد قهرمان - که شاهرخ خان سردمدار و پرچمدار آنهاست و بزودی تبدیل به بت می‌شود - به جای دفاع از مظلومین در برابر ظالمان، خود دست به قتل می‌زنند. اما آنها نه تنها منفی به نمایش گذاشته نمی‌شوند، بلکه شیک‌پوش هستند، خیلی خوب می‌رقصند و آواز می‌خوانند و در یک کسلاام اغواکننده‌اند.

■ مسئله جوان‌گرایی در تمام دنیا اتفاق افتاده است و تنها اختصاص به هند ندارد. در هند هم این پدیده رشد و گسترش یافته است. در این کشور هم مثل اروپا و آمریکا تمام برنامه‌ریزیها برای قشر جوان است. ما با دورانی روبرو بودیم که قهرمانان اصلی فیلمها بین ۴۰ تا ۴۵ سال سن داشتند. در این حالت هند هم مثل دیگر کشورهای جهان از یک چنین وضعیتی تبعیت می‌کند.

در این رابطه بعضی وقتها مسائلی پیش می‌آید که برای من شبیه یک کاریکاتور است. مثلاً در فیلمها می‌بینیم یک جوان ۲۲ ساله ادای کارآگاههای ۴۵ ساله را در می‌آورد. من نمی‌توانم این شخصیت را باور کنم، ولی نسل او این نکته را باور دارد. این فیلمها به تعبیری نرید دنیایی را می‌دهند که به دست جوانان ساخته می‌شود.

در مورد جریان دوم باید بگویم یکی دو فیلم مثل بازیگر و دار را دیده‌ام که با این حال و هوا ساخته شده‌اند. در مورد فیلم هم شاهرخ خان نقش اصلی را بازی کرده است. به اعتقاد من شکل‌گیری این سبک بیشتر یک حقه و کلک است. آدمی مثل شاهرخ خان در سینمای هند به عنوان چهره‌ای دوست داشتنی جا می‌افتد. این آدم مثل برادر یا دوست تماشاچی است، چرا که خصلت سینمای هند و نوع برخورد تماشاچی با آن این گونه است. شما هر جای هند که قدم بگذارید صحبت از فیلم جدیدی است که روی پرده رفته یا قرار است برود.

سینمای هند دورانی بر اساس باورهای روحانی مردم فیلم می‌ساخت - یا می‌خواست بسازد و یا می‌رفت که بسازد - و امروز بر مبنای خواسته‌های پیش‌افزوده تماشاگران فیلم می‌سازد. یک سری ضد ارزش هم امروزه در سینمای هند مد شده است. همین مورد رقص را در سینمای هند در نظر بگیرید. آوازهای اسروزی سختی کمتری با آوازهای قدیمی سینمای هند دارد.

وقتی در فیلم پاتوپانچالی قرار است ازدواج یک زن و مرد نشان داده شود کل صحنه در یک نگاه زن و مرد، باز کردن موی سر توسط زن و کات به روز بعد، خلاصه می‌شود. این سینما پاک و منزه است. اما امروزه در برخی آواها کلمات ریکی به کار می‌رود که سابقه نداشته است. این مسائل نشان می‌دهد که فیلمسازان به سراغ خواسته‌های

پیش افتاده و صرفاً معمولی تماشاگران می‌روند و این روزها فقط به دنبال کسب سود بیشتر هستند.

دربروز در هند اگر حادثه‌ای پشت صحنه فیلمی اتفاق می‌افتاد، مردم بلافاصله عکس‌العمل نشان می‌دادند. امروز روزنامه‌های سینمایی پر از شایعات درباره بازیگران شده است. امروزه به بهانه مقابله با ویدئو و ماهواره خود هندیا بعضی وقتها کارهایی می‌کنند که دست کسی از تخریب فرهنگی ندارد.

نمونه زنده و امروزی این تخریب فرهنگی، حضور همین قهرمانانی است که آدم می‌کشند، اما مثبت و دوست داشتنی‌اند. ممکن است گفته شود این یک فیلم است و واقعیت ندارد. اما در هند چنین چیزی تنها یک فیلم

قلنداد نشده و میزان تأثیر آن در همین حد محدود نمی‌شود. فیلم و سینما در هند یک آموزش است و تأثیری قاطع بر تماشاگران خود دارد.

حضور ضد قهرمان در فیلمهای جدید هندی نشان می‌دهد که سرمایه‌داری حاکم بر سینمای کشور در حال



شاهرخ خان

نمی‌بینیم و سروصدای فیلمهای پر قدرت آنها نیست. با گذشت زمان داستانهای فیلمها از اساطیر جدا و تبدیل به داستانهای روزمره می‌شود. تولید فیلمهای وحشتناک و امثالهم رونق گرفته است.

ممكن است این نوع سینما برای خود آنها حالت عامه‌پسند داشته باشد، اما در بعد کلی وضعیت خوشایندی نیست. البته خود مردم هم از این وضعیت ناراحت هستند. طی سالهای اخیر بارها از سوی دانشگاهیان، مستقدين، چهره‌های مذهبی، روشنفکران و ... اعتراضات فردی و جمعی به جنبه‌های منفی فیلمهای هندی صورت گرفته است.

این مسأله در پارلمان کشور هم مطرح شده است. خوشبختانه تولید فیلمهایی که با باورهای مردم هند سختی ندارند، پس از مدتی متوقف شده و هیچوقت وجه غالب را در روند تولید نداشته است.

□ جدای از مسأله اخلاقی، آینده این سینما از نظر اقتصادی چگونه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؟

■ از این نظر، سینمای هند موفق عمل می‌کند. امروزه تکنولوژی جدید هم در خدمت این سینما قرار گرفته است. هندیا خیلی خوب تکنیکهای جدید را به خدمت گرفته‌اند. در حال حاضر سینمای هند با سینمای هالیوود رقابت می‌کند.

تنها مسأله‌ای که در اینجا وجود دارد مسئله مضمون است. یک روز سینمای هند تکنولوژی خوبی نداشت اما مضامین خیلی خوب، درست و انسانی داشت. حالا تکنولوژی را در ابعاد گسترده و وسیع دارد، اما از آن مضامین خوب و اخلاقی خبری نیست.

بیداد کردن است و همه چیز را به سخره گرفته است. این نوع فیلمها باورهای چند صد ساله ملتی را که قرنها با آن زندگی کرده‌اند قلب کرده و تبدیل به خواسته‌های نفسانی می‌کند و آن را به عنوان سینما عرضه می‌کند. جایی هم نمی‌تواند با آن مقابله کند، چرا که هندیا بهتر از هر کس دیگری این کار را انجام می‌دهند.

اما باز هم فراموش نکنیم که شاهرخ خان بعد از آن فیلمها و مشهور شدنش، دوباره به بازی در آن نوع نقش‌هایی می‌پردازد که آمیتا باچان بازی می‌کرد. البته در سطحی محدودتر.

□ آینده سینمای هند را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ اگر این سینما به همین سبکی باشد که اکنون هست و دارد پیش می‌رود، من آینده خوبی را برای سینمای هند پیش‌بینی نمی‌کنم. این ماجرا تبدیل به نابودی اخلاقی جامعه می‌شود. هنوز هندیا معتقد به چهار عنصر طلا، نقره، مس و آهن هستند. این آخری عصر تاریکی و کالی‌یوگا است. آنها معتقدند در عصر کالی‌یوگا در هند که تاریکی حاکم می‌شود باید با درایت، پیش، عبادت و ریاضت و دست به سوی خدا بردن، از او طلب نجات بکنند. اما می‌بینیم که با این نوع فیلمها خودشان کسک می‌کنند تا آنچه را که جزو اعتقادشان است، به مرحله ظهور برسد.

تا قبل از فروپاشی شوروی سابق و سقوط دیوار برلین، هنوز یک سینمای نیمه‌جان اخلاقی در بنگال وجود داشت که آن سینما هم بی‌خاصیت شده و ما چند سالی است دیگر فیلم مطرحی از هند در سطح بین‌المللی